سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۵

نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ – ۸ صفحه

۲۰۰۰ تومان (مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



چرا ایران با این همه پتانسیل، درگیر تورم بالاست؟

اصلاحات اساسی برای مبارزه با ساختار فساد؛ زمینه توسعه اقتصاد پایدار در دولت پزشکیان

واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول

تضادهای منافع سیاسی و اقتصادی و پراکندگی نیروهای مقاومت

دکتر حمید اسدپور

شوک گرانی دارو؛

از هر ۱۰ مشتری داروخانه، ۳ نفر منصرف می‌شوند

افزایش قیمت دارو در هفته‌های اخیر منجر به واکنش‌های زیادی شده و حتی برخی داروخانه‌داران می‌گویند بخشی از بیماران به دلیل افزایش قیمت‌ها از دریافت داروی خود امتناع می‌کنند، اما این افزایش قیمت به چه دلیل رخ داده است؟

قیمت دارو تحت تاثیر عوامل مختلفی است که فقط بخشی از آن مربوط به هزینه‌های تولید می‌شود؛ هزینه‌هایی مانند قیمت مواد اولیه، مواد جانبی و بسته بندی از جمله عواملی هستند که به طور مستقیم در قیمت دارو دخالت دارند، اما عوامل دیگری مانند حمل و نقل و هزینه‌های جاری شرکت‌های داروسازی نیز به صورت غیرمستقیم در این زمینه تاثیر دارند.

به گزارش ایرنا، قیمت برخی اقلام دارویی در هفته‌های اخیر افزایش یافته و این ماجرا ابعاد مختلفی دارد که در نهایت فشار آن به بیماران وارد می‌شود. هرچند ناهماهنگی سازمان غذا و دارو با سازمان‌های بیمه‌گر پایه منجر به قیمت‌گذاری و اعمال قیمت‌های جدید و در نتیجه فشار مقطعی به بیماران شد، اما یکی از ابعاد دیگر ماجرا این است که اگر قیمت دارو افزایش نداشته باشد، شرکت‌های داروسازی قادر به تولید نخواهند بود و در نتیجه تامین دارو هم با مشکل مواجه شده و بازار دارویی تحت تاثیر کاهش تولید قرار می‌گیرد. این در حالی است که به دلیل مسائلی مانند حمایت از تولید داخل، عمده داروهای مصرفی، در کشور تولید می‌شود و سهم داروهای وارداتی به صورت محصول نهایی به حدود ۲ درصد می‌رسد. ریشه افزایش قیمت دارو در اقتصاد کشور و تورم است

فرآیند تولید دارو نیز مانند هر محصول دیگری به مسائل اقتصادی وابسته است، اما اهمیت دارو را باید صد چندان بدانیم، چرا که با جان بیماران ارتباط دارد. دارو از جمله تولیداتی است که به واردات مواد اولیه و در نتیجه نرخ ارز بستگی دارد و تغییر نرخ ارز دارو می‌تواند تاثیر نامناسبی در تولید بگذارد. به جز ماجرای ارز، تورم و افزایش قیمت‌ها نیز تاثیر شدیدی بر فرآیند تولید دارو می‌گذارد.

محمد عبده زاده «رییس هیات مدیره سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران» در این رابطه می‌گوید: ریشه همه این مشکلات در اقتصاد کلان کشور و کسری بودجه است که در بحث دارو و درمان مشاهده می‌شود. وقتی وزارت بهداشت دچار کسری بودجه می‌شود این طور فکر می‌کند که نباید قیمت دارو را مطابق تورم اصلاح کند. ولی آیا تورمی که بر بازار دارو وجود دارد، تابع بودجه وزارت بهداشت و بیمه‌ها است؟ وقتی بیمه‌ها اعتبار و منابع را ندارند، نمی‌توانند هزینه‌ها را به موقع



پرداخت کنند.

وی ادامه می‌دهد: از طرفی درآمدهای ارزی کشور به دلیل تحریم‌ها و کمبود ارز، تغییر چندانی ندارد و در نتیجه به صنعت و تولیدکننده فشار وارد می‌شود. دولت در اقتصاد کلان باید هزینه‌های اداری و ردیف‌های بودجه را سبک‌تر کند، اما این موضوع هم مشاهده نمی‌شود که هزینه‌های دولت کم شود. از طرفی درآمد هم افزایش پیدا نمی‌کند و در عین حال، تعرفه‌های پزشکی و دارویی هم اصلاح نمی‌شود.

وقتی بیمارستان‌های زیرمجموعه دولت هم با این تعرفه‌ها نمی‌توانند سرپا بمانند، از حداقل درآمد خود، هزینه‌های جاری را پرداخت می‌کند و سپس به بدهی مربوط به دارو و تجهیزات می‌رسد و در نتیجه انباشت مطالبات رخ می‌دهد.

افزایش قیمت برخی داروها باعث شوک شد

هادی احمدی «عضو هیات مدیره انجمن داروسازان ایران» درباره افزایش قیمت دارو می‌گوید: افزایش قیمت برخی داروها باعث ایجاد شوک در مردم شده و از هر ۱۰ نفر که وارد داروخانه می‌شوند، ۳ نفر دارو را دریافت نمی‌کنند. چرا باید چنین اتفاقی رخ بدهد که مردم از دریافت دارو امتناع کرده یا پول خرید دارو را نداشته باشند؟ بیماران وقتی به داروخانه برای گرفتن دارو مراجعه می‌کنند، می‌گویند چرا قیمت‌ها این قدر افزایش داشته است؟

جمع بندی: وقتی قیمت تمام شده تولید دارو افزایش پیدا می‌کند، اگر نرخ فروش افزایش نداشته باشد، تولیدکننده هم توان تولید نخواهد داشت. افزایش قیمت دارو به اقتصاد کشور بر می‌گردد که دچار تورم و افزایش شدید نرخ ارز یا کاهش ارزش ریال شده و همین تورم باعث افزایش قیمت دارو می‌شود.

در این میان بیماران بیشترین ضرر را خواهند کرد و این در حالی است که سازمان‌های بیمه‌گر پایه نیز با ناترازی منابع و مصارف مواجه هستند و اگر بیمه‌ها نتوانند در حد منابع خود، هزینه‌ها را پوشش بدهند، پرداختی از جیب بیمار بیشتر می‌شود. پازلی که تنها راه حل آن، مصرف منطقی دارو و کاهش تقاضای القایی، تقویت بیمه‌های پایه و افزایش سهم سلامت از تولید ناخالص ملی است.

خاطرات تصویری نسیم جنوب

جمعی از معلمان مدرسه گلستان بوشهر دردهه چهل خورشیدی

ایستاده از راست : ماندنی آبیاری، پرویز اخلاقی، حسام نوبهار، حمید آل یاسین، حمید نبوی، خورشید منصوری، محمدعلی استقامت، مسعودی، ابراهیم خرد، علی ناظر، باقر فرخ زاده بوشهری، غلامحسین منصوب، علی بخش مرادی.



اصلاحات اساسی برای مبارزه با ساختار فساد؛ زمینه توسعه اقتصاد پایدار در دولت پزشکیان

حسین صداقت



پدیده «تسخیر دولت» یکی از چالش‌های عمیق و ساختاری در نظام حکمرانی ایران است که طی سال‌های اخیر آثار مخرب آن به وضوح نمایان شده است. تسخیر دولت به معنای نفوذ گروه‌های ذی‌نفع در ساختارهای تصمیم‌گیری است که باعث می‌شود سیاست‌ها و منابع عمومی به نفع این گروه‌ها تغییر جهت داده و از مسیر توسعه و عدالت اقتصادی منحرف شوند. این پدیده ناشی از ضعف سیستمی، عدم شفافیت و تعارض منافع است و تبدیل به معضلی جدی برای کشور شده است.

تسخیر دولت زمانی رخ می‌دهد که نهادهای سیستم از به تضعیف بخش خصوصی سالم دامن می‌زنند. در حوزه انرژی نیز ذی‌نفعان یارانه‌های سنگین و قاچاق سوخت از اصلاحات ساختاری نظیر واقعی‌سازی قیمت‌ها جلوگیری کرده و اقتصاد کشور را به گروگان گرفته‌اند.

پیامدهای تسخیر دولت، به‌وضوح نشان می‌دهد که این پدیده از عوامل اصلی بحران‌های اقتصادی در ایران است. تسخیر دولت باعث تشدید فساد اقتصادی می‌شود؛ زیرا گروه‌های خاص با نفوذ در نهادهای تصمیم‌گیر، منابع عمومی را به نفع خود منحرف می‌کنند. این روند همچنین موجب افزایش نابرابری اقتصادی شده و اعتماد عمومی به دولت را کاهش می‌دهد.

ریشه‌های این پدیده در ساختارهای ناکارآمد سیستم، نبود شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، و اقتصاد رانتی نهفته است.



کارکرد اصلی خود فاصله گرفته و به ابزاری برای تامین منافع گروه‌های خاص تبدیل می‌شوند. در این وضعیت، منافع عمومی قربانی منافع کوتاه‌مدت و محدود گروه‌های ذی‌نفع شده و نتیجه آن تشدید نابرابری اقتصادی و اجتماعی و توقف روند توسعه است. این پدیده پیامدهایی همچون افزایش فساد، کاهش اعتماد عمومی و کاهش بهره‌وری اقتصادی را در پی دارد.

یکی از بارزترین نمونه‌های تسخیر دولت در ایران، نفوذ گروه‌هایی موسوم به «کاسبان تحریم» است. این افراد و نهادها با حفظ وضعیت تحریمی، منافع کلانی کسب می‌کنند و مانع از اجرای سیاست‌های موثر برای کاهش تحریم‌ها می‌شوند. همچنین، انحصارگران صنعتی که با حمایت از سیاست‌های تعرفه‌ای بالا، بازار داخلی را به انحصار خود درآورده‌اند، نمونه‌ای دیگر از این پدیده هستند. این سیاست‌ها علاوه بر کاهش کیفیت محصولات داخلی، هزینه‌های اضافی بر مصرف‌کنندگان تحمیل می‌کنند. علاوه بر این، بازار غیررسمی و قاچاق نیز از دیگر عرصه‌های تسخیر دولت است. گروه‌هایی که از قاچاق کالا و سیاست‌های تجاری ناکارآمد بهره می‌برند،

ضعف نهادهای نظارتی و عدم برخورد قاطع با تعارض منافع نیز به این مسئله دامن زده است. ساختار رانتی اقتصاد ایران نیز زمینه‌ای فراهم کرده که گروه‌های خاص منافع خود را بر منافع عمومی ترجیح دهند.

برای مقابله با تسخیر دولت، اصلاحات اساسی در نظام حکمرانی ضروری است. شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری، تقویت نظارت عمومی و نهادهای مستقل، مدیریت تعارض منافع، و حمایت از بخش خصوصی سالم از مهم‌ترین گام‌ها در این مسیر است. همچنین، اصلاح ساختارهای رانتی و حذف یارانه‌های غیرضروری می‌تواند تاثیر گروه‌های ذی‌نفع را کاهش داده و زمینه توسعه اقتصادی پایدار را فراهم کند.

پدیده تسخیر دولت یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش‌روی اصلاحات اقتصادی در ایران است که توسعه پایدار و عدالت اجتماعی را به خطر انداخته است. بازسازی اعتماد عمومی و سالم‌سازی نظام حکمرانی نیازمند عزم جدی برای مقابله با این پدیده است. دولت با اتخاذ سیاست‌های شفاف و اجرای اصلاحات ساختاری می‌تواند کشور را به مسیر پیشرفت و عدالت هدایت کند.

زندگی آگاهانه

خلاقیت

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



در زبان تبتی واژه‌ای برای خلاقیت وجود ندارد ولی نزدیکترین واژه که معنی خلاقیت را برساند «طبیعی» است. این یعنی خلاقیت در طبیعت ما قرار دارد و برای خلاق بودن کافی است طبیعی باشیم. اگر توجه کنید کودکان چهار تا شش سال به شدت خلاق هستند. بزرگترها از حاضرجوابی و پاسخ‌های جذاب آنها به وجد می‌آیند. ولی بعد از چند سال و با گذر از آموزش‌های مدرسه و خانواده همان کودک شبیه بزرگترها شده و دیگر از آن خلاقیت خبری نیست. چون نوع آموزشهای ما و به خصوص نظامهای آموزشی دنیا نابود کننده خلاقیت است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه کافی است نام سر کن راببنسون را جستجو کنید و سخنرانی تد تاک او را ببینید. قرن ۲۱ قرن خلاقیت است و هرچه جلوتر می‌رویم این گوهر مغز انسان بیشتر مورد نیاز است.

متاسفانه طرز فکر اشتباهی در میان مردم رایج است که فقط عده کمی خلاق هستند یا توانایی خلاقیت دارند. درحالیکه این ویژگی مختص بشر است. همه در کودکی خلاق‌اند، بعدا بخاطر آموزش ها و تربیت خلاقیت فرد سرکوب می‌شود. ولی هیچوقت از بین نمی‌رود و همیشه هم قابل فعال‌سازی است. نیاز نیست حتما استیو جابز یا بیل گیتس باشید تا خلاق به حساب بیایید. در هر شغلی که هستید و هر نوع زندگی‌ای که دارید می‌توانید خلاق باشید. ادوارد دوبونو کتابی دارد به نام «تفکر جانبی» که مهمترین کتاب کار آموزش خلاقیت است. اگر دوست دارید که خلاقیت را بصورت عملی تمرین کنید، این کتاب تمرین‌های فراوانی دارد.

ولی اگر بخواهم یک نکته به شما یاد بدهم که خلاقیت‌تان را در هر کاری بالا ببرد این است: خلق کنید، خلق کنید، خلق کنید، خلق کنید، خلق کنید... جان کلام اینکه کیفیت را فدای کمیت کنید. به جای اینکه یک چیز خوب تولید کنید، صد تا ضعیف یا متوسط تولید کنید. اگر می‌خواهید یک ایده ارزشمند تولید کنید با خود قرار بگذارید پنجاه یا صد ایده تولید کنید. اصلا مهم نیست با کیفیت، مرتبط یا کاربردی باشد. فقط تا جاییکه می‌توانید تعداد را بالا ببرید. به دنبال بهترین راه‌حل نباشید. بیشترین راه‌حل را تولید کنید. از دل آن بهترین راه‌حل پیدا می‌شود.

اگر مایل هستید بچه‌های خلاقی تربیت کنید تلاش نکنید از کودکی آنها را منظم، وقت شناس، وظیفه شناس و حرف گوش کن بار بیاورید. خلاقیت اغلب در بی‌نظمی بوجود می‌آید. بگذارید آنقدر نقاشی بد و بی قائده بکشند تا نقاش خلاقی شوند. به جای اینکه در چند رشته ممتاز شوند بگذارید در رشته‌ای که علاقه دارند، عمیق شوند. عمیق شدن نیازمند کم‌کاری در زمینه‌های دیگر و بی‌نظمی در زندگی و اختصاص وقت بیش از حد به کار مورد علاقه است. بچه‌هایی که در همه درسها خوب هستند معمولا در آینده آدمهای متوسطی از آب در می‌آیند. چون تلاش می‌کنند در همه چیز خوب شوند. همه آدمهای خلاق در دوره‌ای از عمر خود برچسب دیوانه خورده‌اند. چون مانند بقیه نبوده‌اند. فرق تفکر منطقی با تفکر خلاق همین است. اولی دانش موجود را بسط می‌دهد. دومی دانش جدید بوجود می‌آورد.

مصاحبه نسیم جنوب با مرضیه زارعی، هنرمند در بوشهر:

نهادها و ادارات از هنرمندان حمایت کنند

مصاحبه از احمد موسوی‌زاده



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– من مرضیه زارعی هستم، متولد اسفند سال ۶۲ در جزیره کیش، فوق‌لیسانس الکترونیک و نماینده بیمه.
– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟
– به مدت ۱۵ ماه است که زیر نظر استاد نجمه کرمانی، خط ثلث و کوفی و نقاشی خط آموزش می‌بینم و «نقش قلم» دومین نمایشگاهی است که در آن شرکت کرده‌ام.
– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟
– علاقه من از زمانی شروع شد که کارهای کالیگرافی و خط را در فضای سوشال مدیا می‌دیدم و دنبال می‌کردم. دوست داشتم آموزش ببینم و دوره آموزشی را زیر نظر استاد کرمانی شروع کردم.
– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟
– در این مسیر، همسرم و خانواده‌ام همراه و مشوق من بودند.
– چه اهدافی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟
– از اهدافم می‌توانم به شرکت بیشتر در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و همچنین خلق تابلوهای زیبا از تلفیق خط و هنر و نمایش آن به مردم اشاره کنم.
– چه پیشنهادات و انتقاداتی برای بهتر شدن و پیشرفت این هنر در بوشهر دارید؟
– انتظار می‌رود که نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های بیشتری جهت معرفی و نمایش این حوزه برگزار شود و نهادهای اجرایی و ادارات هرگونه حمایتی از هنرمندان انجام دهند؛ از جمله ایجاد فضاهایی برای اجرا و نمایش، و تبلیغات محیطی در زمان برگزاری نمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها.
با توجه به زحمات اساتید این حوزه و برگزاری نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های متفاوت، مردم بوشهر دید بهتری از این رشته هنری دارند و جا دارد که این نمایشگاه‌ها در شهرهای دیگر استان نیز برگزار شوند تا در وسعت بیشتری به نمایش گذاشته شوند و تعداد بیشتری بازدید کنند که این نیاز به حمایت، همکاری و کمک سازمان‌های فرهنگی و هنری دارد.
– سخن پایانی؟
– تشکر ویژه‌ای دارم از استاد نجمه کرمانی بابت تمامی تلاش‌ها و حمایت‌هایشان از هنرآموزان این رشته.

مصاحبه نسیم جنوب با شهربانو وحیدی، هنرمند دشتستانی:

هنرمندان در بوشهر حمایت نمی‌شوند



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– شهربانو وحیدی، محل تولد دشتستان، خانه‌دار و مادر دو فرزند.
– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟
– کالیگرافی و پتینه.
– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟
– همیشه به کارهای سنتی و خوش‌نویسی علاقه داشتم.
– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟
– آموزش پتینه، آموزش کالیگرافی، کار کردن با انواع رنگ و زمینه برجسته، تکسچر و...
– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟
– خانواده‌ام.
– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟
– در بوشهر خیلی کم حمایت می‌شویم.
– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری هستند، دارید؟
– تلاش کنند و خودشان در رشته مورد علاقه‌شان پیشرفت کنند و هر روز ابداعی نو داشته باشند.
– سخن پایانی؟
– با تشکر از خانم کرمانی برای برپایی نمایشگاه‌های هنری و ممنون از شما.

مصاحبه نسیم جنوب با بهنام امیرزاده، هنرمند بوشهری:

برای آموزش اصولی خط اقدام کنید



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– بهنام امیرزاده هستم، متولد ۱۳۵۹، دارای مدرک لیسانس برق مخابرات و فوق لیسانس مدیریت آموزشی. هنرآموز رشته برق در هنرستان و در حال حاضر در بخش امور مالی اداره کل آموزش و پرورش مشغول به کار هستم.
– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟
– در رشته نقاشی خط فعالیت دارم.
– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟
– خط نستعلیق، شکسته نستعلیق، کوفی و کالیگرافی و نقاشی خط و همچنین خط لاتین کاپرپلیت را نزد استاد نجمه کرمانی یاد گرفتم.
– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟
– در این چند سال استقبال از رشته نقاشی خط خوب بوده و علاقمندان زیادی دارد، ولی با توجه به این‌که تبلیغ زیادی در این زمینه انجام نشده، خیلی از افراد با این رشته هنری آشنایی ندارند.
– چه پیشنهادات و انتقاداتی برای بهتر شدن و پیشرفت این هنر در بوشهر دارید؟
– با توجه به پیشرفت تکنولوژی و استفاده زیاد از کامپیوتر و نیاز کمتر به نوشتن با دست، متاسفانه در نسل جدید شاهد این هستیم که دست‌خط افراد دارای زیبایی کمتری نسبت به گذشته است و باید در این زمینه همکاری و حمایت بیشتری از طرف مسئولین انجام شود تا افراد بیشتری برای آموزش اصولی خط اقدام کنند.

قصه کوتاه



آدم و پریزاده

شاهرخ تنگسیری

خونه ای که غیراز همهمه بازی بچه‌ها تو سراشون صدایی ازش در نمی‌اومد حالا شده بید میدون تاخت و تاز زن و شوهر و لاک و لیک شیون بچه‌ها. گمونم یه جُی آبادی تو لار ای زن نمونده بید، تا او روزی‌که خوش زبون باز کرد و اصل ماجرا گفت. هیچکدوم از همسایه‌های دور وبرشون حتی دی نومدار که دیوار به دیوار خونه آدم بید و با هر لاک و لیکی از ری دیوار سرک می‌کشید و گوشش لس می‌کرد که سر دربیاره، بازم دلیل ایی همه مرافه میون زن و شوهر نفهمید.

شیش سال پیش با زن و بچه از بندر لافت اومدن ساکن یکی از محلات بوشهر شدن، گلاف قابلی بید و پیش استا علی گلاف مشغول کار شد، لکنت زبون داشت. بقول دی نومدار: «آدم زبونش تو دهنش تنگل تنگو میکنت جونت وامیسونه تا یه کلمه ای حالیت کنه». اصلیتش بلوچ بید و بزرگ شده لافت، لهجه بلوچی داشت، ده تا کلمه می‌گفت یکیش حالیت می‌شد، سی محض همی خیلی زود عصبانی می‌شد، یه تنه ظرف چهار ماه یه جهاز سماچ اوشار و راگی دریا می‌کرد. بس که میخ و چکش و کلفات کرده بید دستاش شده بید مث پتک حبیب آهنگر.

ستار پسر بزرگوش بچه ساده و کُند ذهنی بید، سی حسین محسین بقال سر کیچه‌شون گفته بید : «بابی کف چیل میاره، اول دو سه تا بشقاب چینی تو فرق سر خوش خورد می‌کنه، خین که از بین دو ابروش سرازیر میشه رو صورتش کمربند واز می‌کنه و می‌زنه سی مُم، مو و ککام و ددم اینا هم می‌ترسیم و گریه می‌کنیم». بر خلاف پریزاده، آدم قدش کوتاه، سیاه چرده و چارشونه بید، سر و پوزش پهن و چیلش مث آرواره سوس تموم صورتش تا بنا گوشش گرفته بید، خلاصه شکل همی چی بید الا آدم از بُنگ شفق بیدار میشد و صدای ستار می‌زد میگفت «یلا بابا روه ظهر شد.» خُو خُوالو سپرتاس خوراک ظهرشون می‌گرفت دستش و ترک موتور بواش می‌نشست می‌بردش کارگاه. می‌گفت مو از ستار کوچیکتر بیدم کمک بوام با همی دستام تخته ساج شَرحه می‌کردم، مرد باید پوس دستش مث پوست شتر سفت باشه تا بتونه نون ازش عمل بیاره.

برخلاف ستار، جبار پسر دومیش خیلی جسور، حراف و زیر بار نرو بید و کلا لهجه بوشهری حرف می‌زد، از رفتار آدم با مادرش تنفر داشت و یه بار سی حسین محسین گفته بید اگه بزرگتر شدم یه روزی انتقام تمام کتکا که زده سی دیم یه جا ازش می‌گیرم. ولی هرگز به اونروز نرسید که جبار ایقد بزرگ بشه که مانع مشت و لگد آدم بشه. یه روز کله سحر بلند شد نمازش خوند و برخلاف روزای قبل رو ستار و بقیه بچه‌ها و پریزاده که خواب خشی بیدن پتو کشید، کنار در اتاق ویساد و یه نگاه عمیقی به پریزاده و بچه هاش که مث تیله گولی دور و برش خوسیده بیدن انداخت موتور روشن کرد و رفت.

دو روز گذشت و از آدم خبری نبید، زن بیچاره به دلشوره افتاده بید برقعه کشید رو صورت و روسری انداخت رو سرش سراسیمه رفت سمت خونه اساعلی گلاف بلکه خبری ازش بگیره ولی اساعلی گلافم بی خبر بید و می‌گفت دو روزه که نومده کارگاه پیش خوم فک کردم شاید ناخوش احوالن می‌خواسم الان بیام خونه تون سراغش بگیرم.

موتورش سر خور دی سیفو یه بردی ری استند زده بید، ماشالله مرزوقی می‌گفت دیگرو صبح ما که گسل جهاز بستیم ناکو پاکستانی گسلش باز کرد، خوم دیدم آدم پیچانه اش دستش ری سطحه ویساده بید و حتی سی ما هم دست تکون داد، ناکو می‌رفت هلِ نمره ی چهار.

زن بیچاره اَنگار جهازش بیس و کنده شکونده ولو شد ری اسکله و تو سر خوش می‌زد و می‌گفت آخرش کار خودش با مو و بچه‌هاش کرد. دی نومدار ایطوری از پریزاده نقل می‌کرد: تو بندر خمیر کارگاه گلافی داشته یه روزی اتفاقی با شریکش که خویش و قومشون بیده بحثشون بالامیگیره و پیرمرد میره خونه و برس نرس در سرا می‌افته و خلاص. خونواده‌اش مرگ بواشون از چیش آدم می بینن و شروع به تهدید و اذیت و آزارشون می‌کنن. با همه دلبستگی آدم به بندر و خانمانش دار و ندارش نقد می‌کنه و شبونه دست زن و بچه‌هاش می‌گیره ترک دیارش می‌کنه، خوشون می‌رسونن بوشهر که در امون باشن، ولی روح و جسمش شدید درگیر او اتفاق تلخ بیده، تنها دلیل درگیریش ایی چندماه با پریزاده هم سر برگشتن به بندر خمیر بید، زن می‌گفته حاضر نیستُم دوباره بریم بندر خودت ناحق کشتن بدی و بچه‌هام یتیم کنی.

روزای آخری کمتر کتک کاری می‌کرد. یه جا می نشست فقط دید قیلون می‌داد و باخوش ورار می‌کرد، می‌گفت: دیگه دست و دل کار و زندگی تو غربت ندارم، میرم یا می‌کشنم یا بابت گناه نکرده می‌بخشنم و از ایی زندان خلاصم می‌کنن.

اوسال وسط پائیز بیدیم و هنوز از لیمر خبری نبید، دو روز از رفتن ناکو پاکستانی گذشته بید که خبر رسید ناکو با بار و با جاشوا و ناخدا اسیر ضربه لیمر شدن و زدن پوزه مطاف غیر چندتا تیکه تخته و شلمون و پیچانه که رسیده ساحل بردخون هیچ خبری از آدم زنده توش نبیده . تمام

یادی از شادروان سارا کاردانی؛ شاعر بوشهری

این درخت سایه نمی‌شود

محمود بدیه



به گمانم سال هزار و سیصد و نود و چهار یا قبل تر بود که سارا را اولین بار در کارگاه جنوب داستان در مدرسه سعادت ملاقات کردم. با وجود این‌که به تازگی از شیمی درمانی فارغ شده بود و از آلمان برگشته بود، او را پر شور و در عین حال تو دار دیدم که هم شعر می‌گفت و هم دستی در داستان داشت. آن روزها کلاس های کارگاه جنوبِ داستان در مدرسه سعادتِ برقرار بود و هنوز ادبیات داستانی رونق داشت. و تقریبا کلاس‌ها از علاقه‌مندان پر می‌شد. قبل‌تر از آن به اتفاق دوست نویسنده‌ام جناب پورصفر ما یک محفل ادبی دو نفره داشتیم. رمان نو می‌خواندیم و تحت تاثیر آن، نقد و نظر داستان و خلاصه چک و چانه هایمان را در همان جا می‌زدیم و بعد نوشته‌های‌مان را در شب نشینی‌های هفتگی می‌خواندیم.

چه جلسات خاطر انگیزی و همین چند صدایی و دیگر مولفه های رمان نو بود که ما با دمکراسی آشنا شدیم و... با همین نگرش دیگران را مورد قضاوت قرار می‌دادیم. ظاهراً انسداد و گسست در روایت خطی باعث بانی گسست و عدم درک مقابل بین ما و هم نسلان‌مان شده بود، ولی جریان بیشتر از این بود که ما می‌پنداشتیم متاسفانه ضایعه‌ی از دست رفتن فرزند پورصفر وقفه‌هایی در نشست‌ها پیش آورد، ولی استطاعت و میل به دیگری در ادبیات که جزء خصیصه آن است به خویش‌داری او کمک کرد و او را سرپا نگه داشت. رمان «تو هم همینطور» حاصل همین گفتگوهای دوطرفه مان بود. من رمان پوست طبل و زندگی اقلیت سیاه پوست را در بوشهر نوشتم که فرو می‌افتاد و باید آرشیو می‌شد.

ما در جمع جوان و پیوند با آن ها قرار گرفته بودیم و در سر رویایی داشتیم. دل‌مان می‌خواست در این جمع کسی در اوج و بر فراز ببینیم و چه بهتر که او یک زن باشد. با همین تصور نوشته‌های تک تک آن‌ها را به دقت مورد ارزیابی قرار می‌دادیم. ما داستان‌ها را برای اولین بار همان‌جا می‌شنیدیم و همان‌جا هم مطابق با الگوی داستان‌نویسی خلاق نظر می‌دادیم.

سارا از جمله کسانی بود که در مورد داستان ها نکته بین بود و هم داستان‌نویس آینده‌داری بود. اما حیف که به قول خودش در شعری که گفت؛ حیف که این درخت سایه نداشت.

یادم هست برای آخرین بار روزی که ساعت کارگاه داستان تمام شده بود و بچه‌ها منجمله پورصفر برای رونمایی کتاب به سالن اجتماعات رفته بودند و ما هنوز ایستاده بودیم و داشتیم در مورد رمان آبان‌ماه هشتاد حرف می‌زدیم و این‌که آفرینش ادبی و نویسنده چه‌قدر در برابر واقعیت شکننده است و چه‌طور نویسنده با این اتوبیو گرافی در این کتاب تاب آورده است. آن روز چقدر او را غمگین دیدم و همگی اشک‌ها جاری شد. بعد او ما را به خانه‌شان دعوت کرد . متاسفانه میسرنشد که برویم و شعرهایش را بشنویم.

در این جا به یادش شعری از سارای عزیز می گذارم.

این درخت سایه نمی‌شود
و نه این مسیر کوتاه
فاصله از لانه تا کوچ

پرنده ای بود
که از این سوی قفس
به آن طرف پرید

واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول (۴)

تضادهای منافع سیاسی و اقتصادی و پراکندگی نیروهای مقاومت

دکتر حمید اسدپور



در زمانی نیز که انگلیسی‌ها مقر خود را در فاصله هلیله و بوشهر قرار داده بودند و به تحکیم سلطه خود در این مناطق اقدام می‌کردند و حتی مخالفان خود را در بوشهر، بهمنی و سبزآباد سرکوب می‌کردند. برخی از روسای محلی ، به رغم آن‌که خود تنگستانی بود به همراهی با انگلیسی‌ها پرداخت و به مأموران آن‌ها در بندر بوشهر اطمینان داد که تنگستانی‌ها به این بندر حمله نخواهند کرد و از جانب آن‌ها خطری متوجه انگلیس نخواهد شد. به نظر می‌رسد که انگلیسی‌ها از برخی از این روسا استفاده نموده و سپس خود در مواردی حتی اقدام به نابودی آن‌ها نموده‌اند. چنان‌که انگلیسی‌ها ضمن بهره بردن از اختلافات موقرالدوله، حاکم بوشهر، با حاج علی تنگکی در حمله به تنگک به همراهی و همکاری با موقرالدوله پرداختند.

به واقع این نمونه‌ها، کاملاً سیاست انگلستان در ایجاد تفرقه میان نیروهای پایداری را نشان می‌دهد. جالب آن‌که برخی روسای محلی که در برابر انگلیس جنگیدند در ابتدا منافع خود را در همراهی با انگلیس جستجو می‌نمودند و سپس تحت تأثیر حوادث این ناحیه و کسب موقعیت بهتر به مخالفت با انگلیس پرداختند. چنانکه شیخ حسین چاه‌کوتاهی در نامه‌ای که به مستر چیک، کنسول انگلیس در بوشهر، نوشته است؛ اشاره نموده که مایل به دشمنی با انگلیسی‌ها نیست ولی به دلیل ترس از فشارهای مردم و علما تکلیف خود را نمی‌داند و قادر به همراهی با انگلیس نمی‌باشد. وی در این نامه عنوان داشته است که «اگر بخواهم علنا با شما همراهی کنم ملعون می‌شوم و قاطبه مسلمین فحش به اجداد و اسلافم داده به خودم ناسزا می‌گویند و علما و مجتهدین هم حکم کفر داده، پس بلاتکلیفم و الا میل ندارم با شما دشمن باشم و دوستی را قطع کنم. از آن گذشته فارس، دشتی و دشتستان دویست هزار بلکه متجاوز مرد جنگی دارد و جان و مالم در معرض خطر است و در این حدود دشمن فراوان دارم.» (فرامرزی، ۱۳۷۷ :۱۵-۱۶) او هم‌چنین اشاره نموده است که با وجود فرمان‌های علما برای جهاد سعی کرده تا خوانین دشتستان را از جنگ با انگلیس بر حذر دارد و خود را «خیرخواه و دوستدار دولت بهیمه» معرفی کرده است که در پشت پرده علیه مخالفان انگلیس کارشکنی می‌کند. (همان،۱۷) شیخ‌حسین چاه‌کوتایی در نامه دیگری نیز به کنسول انگلیس، ضمن تشریح وقایع جنگ جهانی اول، خوشحالی خود را از پیروزی‌های انگلیسی‌ها بیان می‌دارد.(همان، ۱۰۴)

تضادهای منافع سیاسی و اقتصادی و پراکندگی نیروهای مقاومت

یکی از مسائل مهم در هنگام قیام مردم جنوب در برابر استعمار انگلیس که در ناکامی و عدم تحقق اهداف این قیام نقش داشت، تضادهای حاصل از تلاش برای کسب منافع بیشتر در نزد روسای محلی بود. اسناد و گزارشات متعددی بیانگر آن است که روسای محلی در این نواحی، سعی در کسب منافع اقتصادی فراوان حاصل از زمین‌های کشاورزی، مالیات‌ها، عواید گمرکی و راه‌های تجاری داشتندکه به تبع آن بر قدرت سیاسی و نظامی آن‌ها نیز می‌افزود. از جمله این اختلافات و درگیری‌ها می‌توان به رقابت و اختلاف میان اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای و آقاخان از روسای محلی دشتستان اشاره نمود.

تلگراف‌های ارسال شده به وزارت داخله این مسئله را بیان می‌کند که اسماعیل خان تلاش دارد که منافع اقتصادی بیشتری در ناحیه دشتستان به دست آورد. چنان‌که در تلگرافی اشاره شده است که اسماعیل خان برای چند گاو و چند اصله درخت خرما حرکات مضر انجام می‌دهد.(اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹: ۱۳۱- ۱۳۰)

لازم به ذکر است که خوانین شبانکاره در دوره‌های بعد نیز سعی در کسب منافع فراوان و تسلط بر بخش وسیعی از منطقه دشتستان داشتند.(ساکما،۲۹۳/۱۰۹۲۴ و۲۹۳/۱۰۹۲۴) آن‌ها خود را مالک جان و مال رعیت می‌پنداشتند.(ساکما ۲۹۳/۱۰۹۲۸)



اما اوج مشکلات و تضاد منافع که ضربه اساسی بر پیکره نهضت مقاومت جنوب وارد نمود، اختلافات فراوان میان روسای محل در مناطق جنوبی بوشهر بود که نقش پررنگی در مبارزه علیه انگلیس داشتند. چنان‌که در تلگرافی به اختلافات شدید میان خوانین دشتی، دشتستان و اهالی برازجان اشاره شده است و تأکید شده که این اختلافات می‌تواند مشکلات اساسی در این نواحی ایجاد کند.(اسنادوزارت‌داخله، ۱۳۶۹:۱۳۴) این اختلافات در زمانی بود که علمای بزرگی مانند آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری در جنوب و بالعکس روسای محلی سعی در بسیج مردم علیه استعمار انگلیس داشتند. چنان‌که آیت‌الله لاری در اعلامیه‌های خود انگلیسی‌ها را «شیاطین انس و دیونیان ابالیس» نامید و خواستار همبستگی همه گروه‌ها علیه انگلیسی‌ها شد. (اسناد و مکاتبات آیت الله سید عبدالحسین لاری، ۱۳۸۴)

چنان که اشاره شد یکی از عوامل اصلی این اختلافات، تلاش بسیاری از این روسای محلی جهت کسب منافع اقتصادی حاصل از عایدات گمرکی، مالیات و مسیرهای تجاری بود. برای نمونه می‌توان به روسای محلی در مسیر تجاری احمدی به برازجان اشاره کرد که این روسا با کسب مالیات‌های بسیار فراوان و غیرقانونی، منافع فراوانی کسب می‌کردند. مورد دیگری از این مساله، تلاش‌های این روسا برای تسلط بر منافع گمرکی دلوار بود که تا پیش از این وقایع،کدخداها و روسای محلی در دلوار بر گمرکات آن‌جا سلطه داشتند و حتی از طریق قاچاق کالا سود زیادی کسب می‌کردند.

در این دوره انواع کالاها حتی کالاهای ممنوعه از مناطقی به ویژه مانند بحرین وارد گمرک دلوار می‌شد و روسای محلی در این مناطق خود را جایگزین نمایندگان رسمی دولت نموده بودند.

این مسئله تنها مربوط به قاچاق کالا نبود بلکه قاشق اسلحه نیز بر مشکلات این نواحی افزوده بود. (یاحسینی،۱۳۹۱:۱۲۳) زایرخضرخان که خود را حاکم بلامنازع تنگستان می‌دانست بر درآمدهای گمرگی دلوار چشم دوخته بود و رئیس‌علی‌دلواری را مانعی برای رسیدن به خواسته‌های خود تلقی می‌کرد.

در درگیری‌های اولیه دریابیگی، حاکم بوشهر، با روسای محلی دلوار، علاوه بر سربازان دریابیگی تعدادی از نیروهای چاهکوتاهی نیز حضور داشتند و زایر خضرخان هم قول ارسال دویست و پنجاه نیروی جنگی داده بود. (همان، ۷۳و۷۲) هم چنین در حملات دریابیگی به دلوار نیز حکمران بوشهر ضمن نامه‌ای به رئیسعلی تأکید کرد که سرپرستی گمرک دلوار و عایدات آن را به زایر خضرخان اهرمی تسلیم کند. (کتاب آبی، ۱۳۶۶ :۷۱۶/۳)

در این دوره بسیاری از تجار بحرین با رئیس‌علی‌دلواری در ارتباط بودند و از این ارتباط و آرامش حاصل شده توسط رئیس‌علی در دلوار خشنود بودند. رئیس‌علی نیز که گاهی احساس خطر می‌کرد می‌توانست خانواده و دارایی‌های خود را به آسانی به بحرین منتقل کند و آسوده خاطر به مقابله با مخالفان بپردازد.(مظفری، ۱۳۲۹ :۱۵/۳۲) البته لازم به ذکر است که در میان روسای محلی مخالف انگلیس، رئیس‌علی دلواری دارای عقاید و شور مذهبی و ملی فراوانی بود و ارتباط فراوانی با علمای بزرگ داشت. محبوبیت رئیس‌علی در میان مردم جنوب به ویژه پس از شکست دادن انگلیسی‌ها و قتل افسرانی مانند اولیفانت و جی‌رنکینگ و برخی سربازان هندی افزایش یافته بود. پس روسای محلی مانند زایرخضرخان‌اهرمی و شیخ‌حسین چاهکوتاهی از این مسئله ناخشنود بودند. (فراشبندی،۱۳۶۵:۱۹۹-۲۰۰) پس در زمانی که روسای محلی قصد حمله به بوشهر داشتند نیز رئیس‌علی را دیر در جریان حمله گذاشتند تا نتواند نقش مؤثری ایفا کند و محبوبیتش افزایش یابد.(یاحسینی، ۱۳۹۱ :۱۳۸-۱۳۷)

هر چند باید گفت که انگلستان پس از قتل تعدادی از نیروهایش توسط رئیس‌علی، به توقیف کشتی‌های ایرانی و افراد صاحب نفوذ و هم‌چنین منع تجارت برخی شرکت‌های داخلی و خارجی در بوشهر اقدام نمود.(سفیری،۱۳۶۲:۵۳)

شکاف تورمی و ظرفیت‌های مغفول:

چرا ایران با این همه پتانسیل، درگیر تورم بالاست؟

محی‌الدین حسینی‌مقدم



شواهد اقتصادی به وضوح شکاف عمیق تورمی بین ایران و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۴ (منبع: بلومبرگ)، نرخ تورم در ایران به ۴۲٫۵ درصد رسیده است، در حالی که کشورهای حوزه خلیج فارس میانگین نرخ تورم کمتر از ۲ درصد را تجربه می‌کنند. این اختلاف چشمگیر، نشان‌دهنده اختلافات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، سیاست‌های پولی و مدیریت منابع است که نیاز به تحلیل دقیق‌تر و ارائه راهکارهای علمی برای کاهش تورم در ایران را بیشتر برجسته می‌کند.

مقدمه: ایران، کشوری با منابع طبیعی گسترده، نیروی انسانی جوان و موقعیت ژئوپلیتیکی بی‌نظیر و دارا بودن ذخایر انرژی غنی از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز در جهان است و دارای منابع معدنی بسیار متنوع است. این ذخایر می‌توانند، به‌عنوان منبعی برای درآمدهای ارزی استفاده شوند و بستری برای توسعه صنایع پایین‌دستی و ایجاد ارزش افزوده فراهم کنند.

باید توجه داشت ایران از لحاظ ژئوپلیتیکی هم در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد و از موقعیت ترانزیتی- استراتژیکی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این ظرفیت بالقوه می‌تواند ایران را به مرکز تجارت منطقه‌ای تبدیل کند، اما تاکنون به دلیل ضعف در دیپلماسی اقتصادی و مشکلات زیرساختی، از این مزیت بهره‌برداری کافی نشده است.

ایران دارای یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده در منطقه است. این ظرفیت می‌تواند موتور محرک اقتصاد دانش‌بنیان و نوآوری‌های فناورانه باشد. با این حال، نرخ بالای مهاجرت نخبگان به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی، این پتانسیل را محدود کرده است.

با این اوصاف ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی برای دستیابی به رشد پایدار اقتصادی و تثبیت بازارهای مالی برخوردار است، که نرخ تورم بالای دو رقمی به‌عنوان یکی از عمیق‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور، این ظرفیت‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است.

چرا کشوری با چنین مزایا، در مدیریت اقتصادی و کنترل تورم ناکام مانده است؟ این مقاله با بهره گیری از نظریه‌های اقتصادی و بررسی تجارب کشورهای خلیج فارس، تلاش دارد تا به این پرسش پاسخ دهد و راهکارهایی کاربردی برای کاهش تورم و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها ارائه دهد. این مقاله به واکاوی عوامل ساختاری و سیاست‌گذاری در ایران و کشورهای حوزه خلیج‌فارس می‌پردازد و پیشنهاداتی اصلاحی در سطوح نهادی و ساختاری برای کاهش تورم در ایران ارائه می‌دهد.

تحلیل نظری: دلایل تورم از دیدگاه اقتصاددانان

۱. نظریه پولی تورم: بر اساس نظریه میلتون فریدمن، تورم «همواره و همه‌جا یک پدیده پولی است». رشد بی‌رویه نقدینگی، بدون تناسب با رشد تولید ناخالص داخلی، مهم‌ترین عامل در ایجاد تورم است. در ایران، رشد نقدینگی که عمدتاً ناشی از کسری بودجه دولت و استقراض از بانک مرکزی است، یکی از موتورهای اصلی تورم محسوب می‌شود. کشورهایی مانند امارات متحده عربی و عربستان سعودی با محدود کردن رشد نقدینگی و اعمال سیاست‌های پولی انقباضی، توانسته‌اند نرخ تورم را کنترل کنند.

۲. نظریه ساختاری تورم: اقتصاددانانی چون رائول پربیش و نورکس، بر دلایل ساختاری تورم تأکید دارند و معتقدند که تورم در اقتصادهای در حال توسعه، اغلب ناشی از ضعف زیرساخت‌ها، ناکارآمدی در سیستم توزیع و وابستگی به واردات کالاهای اساسی است. در ایران، مشکلات ساختاری مانند ضعف در توزیع کالا، فساد اقتصادی، و وابستگی به واردات کالاهای اساسی موجب افزایش هزینه‌های تولید و قیمت‌ها شده است.

۳. نظریه انتظارات تورمی: رابرت لوکاس و اقتصاددانان مکتب انتظارات عقلایی، بر اهمیت انتظارات تورمی تأکید دارند. در ایران، بی‌ثباتی اقتصادی، نوسانات ارزی و سیاست‌های غیرشفاف، موجب افزایش انتظارات تورمی شده و رفتار اقتصادی مردم به سمت احتکار و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های غیرمولد سوق یافته است. در مقابل، کشورهای خلیج‌فارس با ایجاد نظام‌های اقتصادی شفاف و پیش‌بینی‌پذیر، توانسته‌اند انتظارات تورمی را مدیریت کنند.



دلایل ناکارآمدی اقتصادی ایران:

۱. ضعف در حکمرانی اقتصادی: حکمرانی ضعیف و نبود شفافیت در سیاست‌گذاری اقتصادی، یکی از مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی اقتصادی در ایران است. بر اساس نظریه داگلاس نورث، نهادهای ضعیف و غیرشفاف، مانع از رشد اقتصادی پایدار می‌شوند. در ایران، تصمیم گیری‌های کوتاه‌مدت، وابستگی به درآمدهای نفتی و فساد نهادی، مانع از بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های اقتصادی شده است.

۲. سیاست‌های مالی و بودجه‌ای ناکارآمد: کسری بودجه مزمن دولت ایران و تأمین آن از طریق چاپ پول، به‌طور مستقیم به افزایش پایه پولی و رشد تورم منجر می‌شود. این در حالی است که کشورهای خلیج فارس، با تدوین برنامه‌های مالی بلندمدت و ایجاد صندوق‌های ثروت ملی، توانسته‌اند مانع از تأثیرات منفی نوسانات درآمدهای نفتی بر بودجه شوند.

۳. تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی: تحریم‌های اقتصادی، دسترسی ایران به بازارهای جهانی و منابع ارزی را محدود کرده و هزینه‌های مبادلات تجاری را افزایش داده است. نظریه‌های تجارت بین‌الملل نشان می‌دهند که محدودیت در دسترسی به بازارهای جهانی موجب افزایش هزینه‌های تولید و کاهش رقابت‌پذیری اقتصادی می‌شود. در مقابل، کشورهای خلیج فارس با ایجاد روابط اقتصادی گسترده و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توانسته‌اند از چنین محدودیت‌هایی دوری کنند.

درس‌هایی از کشورهای خلیج فارس

۱. مدیریت حرفه‌ای منابع طبیعی : کشورهای خلیج‌فارس، با اتکا به مدل‌های مدیریت منابع طبیعی مانند مدل هارتویک، توانسته‌اند از منابع نفتی خود به‌عنوان ابزاری برای توسعه پایدار استفاده کنند. این کشورها درآمدهای نفتی را به صندوق‌های ثروت ملی اختصاص داده و با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های مولد، پایه‌های اقتصادی خود را متنوع کرده‌اند. در مقابل، ایران به دلیل وابستگی به نفت برای تأمین هزینه‌های جاری، از این مزیت محروم مانده است.

۲. تنوع‌بخشی به اقتصاد: عربستان سعودی با اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰، و امارات متحده عربی با توسعه بخش‌هایی مانند گردشگری، فناوری و صنایع غیرنفتی، توانسته‌اند وابستگی خود به نفت را کاهش دهند. ایران نیز می‌تواند با برنامه‌ریزی و ایجاد مشوق‌های اقتصادی، بخش‌هایی نظیر کشاورزی، گردشگری، فناوری اطلاعات و صنایع دانش‌بنیان را توسعه دهد.

۳. استقلال بانک مرکزی: بانک‌های مرکزی در کشورهای خلیج فارس با حفظ استقلال خود، توانسته اند سیاست‌های پولی انقباضی و ضدتورمی را اجرایی کنند. در ایران، وابستگی بانک مرکزی به دولت و تأمین مالی کسری بودجه از طریق چاپ پول، موجب رشد بی‌رویه نقدینگی و تورم شده است.

راهکارهای پیشنهادی: رویکردی عملیاتی

۱. اصلاحات ساختاری: - ایجاد صندوق‌های ثروت ملی: بخشی از درآمدهای نفتی می‌تواند به صندوق‌های مستقل اختصاص یابد تا برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و بلندمدت استفاده شود.

- کاهش وابستگی به نفت: توسعه بخش‌های غیرنفتی نظیر فناوری اطلاعات، کشاورزی مدرن، و انرژی‌های تجدیدپذیر.

- شفاف‌سازی اقتصادی: مبارزه با فساد، بهبود شفافیت در تخصیص منابع و اجرای سیاست‌های مبتنی بر داده‌های علمی.

۲. اصلاحات نهادی: - تقویت استقلال بانک مرکزی: بانک مرکزی باید از دخالت‌های سیاسی مصون باشد و استقلال کامل در اعمال سیاست‌های پولی به دست آورد.

- حکمرانی اقتصادی هوشمند: تقویت نهادهای اقتصادی و بهره گیری از متخصصان در تدوین سیاست‌ها.

- ارتباطات بین‌المللی: کاهش تنش‌های بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

۳. مدیریت منابع انسانی: - حفظ نخبگان: ارائه تسهیلات و مشوق‌های مالی و اجتماعی برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان.

- سرمایه‌گذاری در آموزش: طراحی برنامه‌های آموزشی برای تجهیز نیروی کار با مهارت‌های مرتبط با اقتصاد دانش‌بنیان.

نتیجه‌گیری: ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم طبیعی و انسانی خود، پتانسیل تبدیل‌شدن به یکی از اقتصادهای پیشرو منطقه را دارد. با این حال، ضعف در حکمرانی اقتصادی، وابستگی به نفت، و رشد بی‌رویه نقدینگی، از جمله عوامل اصلی تورم بالا و ناکارآمدی اقتصادی است.

درس‌هایی که کشورهای حوزه خلیج فارس از مدیریت منابع و تنوع‌بخشی اقتصادی ارائه کرده‌اند، می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی برای اصلاحات ساختاری و نهادی در ایران مورد استفاده قرار گیرد. اجرای این اصلاحات، نه تنها شکاف تورمی بین ایران و کشورهای منطقه را کاهش می‌دهد، بلکه مسیر توسعه پایدار را برای اقتصاد کشور هموار می‌کند.



صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

از چاپخانه تا چایخانه

داریوش غریب زاده

خیلی شب‌ها به تنهایی در چاپخانه مشغول اضافه کاری بودم. غروب به سوپر مارکت کوچک همسایه مراجعه و تکه ای پنیر برای صبحانه خریداری می‌کردم. چاپخانه مجاور گمرک و عبور تریلی‌ها منظره ای آشنا بود. می‌آمدند و بار تخلیه شده از کشتی را حمل کرده به نقاط مختلف کشور می بردند.

سحرگاه شبی که از خستگی تلوتلو می رفتم صدای تق و توق بلند شد. پیدا بود کسی با یک شیئ فلزی به در شیشه‌ای چاپخانه می‌کوبد. تعجب کردم. مراجعان به چاپخانه در روشنایی روز می‌آمدند نه تاریکی قبل از طلوع.

از محوطه ماشین‌خانه به دفتر رفتم. تریلی ماک با اتاقک قرمز در خیابان پارک بود و راننده‌اش با قدی حدود دو متر و سبیل‌های از بناگوش در رفته همچنان با دسته کلید بر شیشه می‌کوبید.

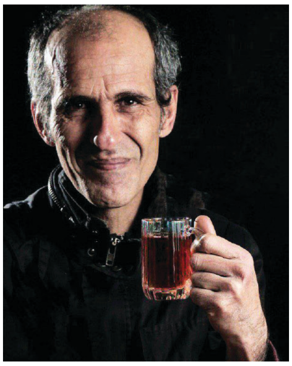
در را باز کردم. روی صندلی نشست و هاج و واج اطرافش را نگریست. سپس با لهجه غلیظ اصفهانی گفت: یه چای با شکر بیار.

گفتم چشم. چای من همیشه تازه دم بود. اصلا بدون چای نمی‌توانستم کار کنم. یک لیوان چای با قاشق و شکردان در یک سینی جلویش گذاشتم. چای را که سر کشید گفت: تخم مرغ نیمرو کن.

گفتم : ببخش والا تخم مرغ ندارم. فقط نون و پنیر دارم.

با تعجب و تحکم گفت: تخم مرغ نداری؟ باشه همون نون و پنیر بیار و دوباره با حیرت و چرخش سر به در و دیوار دفتر چاپخانه خیره شد. به تلفن و دستگاه فاکس، گاوصندوق، ردیف زونکن ها و میز و صندلی مدیر.

نان و پنیر که خورد دو تا چایی دیگر سر کشید و گفت: قلیون بیار. خوشبختانه مدیر چاپخانه قلیان داشت و برای دوستانش چاق می‌کرد.



آخرین پک بر قلیان زد. هوا دیگر گرگ و میش شده بود. بلند شد و از جیبش دسته ای اسکناس بیرون کشید. گفت: حساب‌مون چقدر شد؟

گفتم : هیچی!

گفت : هیچی؟ یعنی صلواتی کار می کنین؟

گفتم: کار می کنیم و پول هم می گیریم.

گفت: خب بگو حساب‌مون چقدر شد؟ کار دارم باید برم.

گفتم: حسابی نداری. هیچی نمیشه، چای و نون و پنیر و قلیون خواستی منم وظیفه داشتم بهت بدم.

با تعجب گفت: این دیگه چه چایخونه‌ایه؟ همه جا پول میگیرن.

گفتم: اینجا چایخونه نیست آقا.

روی شیشه با برس و رنگ نام چاپخانه نوشته شده بود. برگشت و به نوشته خیره شد. از داخل دفتر حروف روی شیشه وارونه بود اما متوجه شد اشتباها چاپخانه را چایخانه خوانده است.

شرمگین روی صندلی نشست و دو دست بر صورت گذاشت. بعد بلند شد مرا بغل کرد و عذرخواهی کرد.

گفتم: چرا عذرخواهی می‌کنی؟ چیزهایی خواستی که اینجا بود. چای و نون و پنیر و قلیون. الماس و یاقوت که نخواستی.

گیج بود. گفتم بیا داخل، در دفتر را باز کردم و وارد سالن ماشین‌خانه شدیم. ماشین‌های بزرگ و کوچک چاپ و ستون‌های بلند کاغذ دید. این‌جا بوی مرکب و بنزین و سایر مواد شیمیایی تندتر بود.

با حیرت ناشی از تماشا با همان لهجه شیرین اصفهانی ادامه داد: وقتی با بیلرسوت غرق رنگ و بوی روغن و گریس در باز کردی پیش خودم شک کردم که قهوه‌چی نباشی. بعد هم که دفتر چاپخونه دیدم شک کردم اما خب تابلو چایخونه تو ذهنم بود.

گفتم: درست آمدی، یه نقطه باعث شد چاپخونه چایخونه بنامی، درست تو مرکز اشتباهات دنیا پا نهادی.

بعد رفتیم کنار گارسه حروف سربی. کشو گارسه را کشیدم. هر ردیف گارسه کشویی است که به چندین خانه پنج در پنج سانتیمتر تقسیم و در هر خانه چند حرف الفبای سربی بود.

ردیف الف تا ی. از آن‌جا که حروف بعد از استفاده دوباره پخش شده و در جای خود قرار می گرفتند گاهی اشتباه می شد مثلا ب با پ ، یا س با ش یا ک با گ!

گفتم: ما هم گاهی اشتباه می کنیم. کوه را با آن عظمت گوه می‌نویسیم و صدها غلط دیگر که باید تصحیح شوند. گاهی تصحیح می شوند، گاهی نمی شوند و ارتفاع یک کوه عظیم مثل دماوند در حد یک تپاله گوه تنزل پیدا می کنه.

هوا روشن شد. با من خداحافظی کرد.

کارت ویزیت چاپخانه بهش دادم و گفتم: دفعه دیگه از اصفهون بهم زنگ بزن تا برات تخم‌مرغ هم بگیرم.

خندید و مرا بغل کرد. شماره منزلش بهم داد.

گفت: یه خونه کوچیکی تو اصفهون دارم.

تریلی ماک آن‌سوی خیابان استارت زد. بوق زد و رفت. به شیشه نگریستم: چاپخانه!

جز عشق دگر سخن نگویید

محمد لطفی



به کاشی های مینیاتوری نیشابور فکر می‌کنم که مغول به آن‌ها هم رحم نکرد اما این خاک دوباره روی پای خود ایستاد، دوباره با مولانا ها مانند ققنوسی از خاکستر خویش بر خواست ، موبایل را سایلنت کرده‌ام ، صفحه اش روشن می شود، گوشی را بر میدارم ، پیامک مشتر ی گرامی مهلت سر رسید اقساط شما... ، سیگاری می گیرانم و ماتادوری می‌مانم که زخم‌هایش مثل سرخی گل لگجی نجابت دشت‌ها دهان باز کرده‌اند، واو در هیاهوی یک میدان هنوز سراپا ایستاده وچکه‌چکه‌های خونش را ماسه‌های داغ قورت می‌دهند، ورزا بوره‌ای می کشد، نیزه را به جای را فرود آوردند بر شانه نره گاو سیاه، گوشه‌ای پرت می کند.

منولوگ را ادامه می‌دهم و تو محو خوانش من یادت می آید که باید فریادکش و پریشان‌گیسو، آواز بخوانی، ببخشیدی می گویی و سه تارت را بر می‌داری و سر انگشتانت را بر سیم‌ها می‌خراشی، و من در ترنم نغمه و فید شدن نور با چشمانی نم‌دار پشت پنجره خیره به مترسکی می‌شوم که سربازها او را تیرباران می‌کنند،گرمی اشک رو حس می‌کنم، شوریش را و به تتاتر، به هنر می اندیشم که پیش از آغاز خلقت مارا فتح کرده است.

جز عشق دگر سخن نگویید
غیر از گل عاشقی نبویید

٤ بوشهری به مرحله نهایی جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی راه یافتند

چهار قصه‌گوی این استان به مرحله نهایی بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی راه یافتند.

در بخش آیینی‌سنتی نوجوان، ساغر رضایی با قصه «فرار رستم» و فاطمه نوذری با قصه «نبرد رستم»، هر دو از شهرستان کنگان، موفق به راهیابی به مرحله نهایی شدند. در بخش آیینی‌سنتی بزرگسال، مژگان صفری از کنگان با قصه «از هرات تا بوشهر» و در بخش دینی، یلدا سالمی از بندر ریگ با قصه «موسی و چوپان» به این مرحله صعود کردند.